نگاه
پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی
شمارهٔ بیست و یکم، ۱۲ آبان ماه



آیت‌الله آقا سید مجتبی خامنه‌ای: هرچه می‌توانید خودتان را به سلاح علم و ایمان و تهذیب نفس و انس با خدا و آشنایی عمیق با معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السّلام مجهّز کنید و با کار و ابتکار مضاعف بر قوّت و اقتدار ایران عزیز بیفزایید تا به دعای مولای مهربانمان عجّل‌الله تعالی فرجه الشّریف، پیمودن مسیر لشکریان هم‌عهد به سمت قلّه‌های پیشرفت و تمدّن اسلامی ـ ایرانی هرچه بهتر و سریع‌تر محقّق شود، ان‌شاءالله. ۶/آبان/۱۴۰۵

تحلیل دکتر آزاده محمودیان؛ عضو هیئت علمی

ضرورت تکثیر خیابان در کنش‌گریِ حلقه‌های میانی

۱.تمام روایت‌ها، از وقوع یک پیچیدگی اجتماعیِ شدید و غلیظ، در آیندهٔ نزدیک حکایت می‌کنند. هم احتمال مجدد جنگ نظامی افزایش یافته است و هم سیاست‌های داخلیِ پیش‌رو، آشکارا در مسیر تحقق انواع فتنه‌ها و آشوب است. همچنان که راز کودتای دی‌ماه مکتوم مانده، عوامل رقم زدن کودتایی دیگر بیش از گذشته قدرت گرفته‌اند. مذاکره‌خواهانِ سیاست‌گذار، با وجود نابودی تفاهم‌نامه، با راهبرد مقاومت هم‌نوا نمی‌شوند؛ و از «گران‌سازی» تا «قحطی‌نمایی»، در پی یافتن راهی هستند تا با مدیریت بحران‌های ساختاری، مقاومت را در معدن اصلی آن، یعنی دل مردم، بشکنند. بدیهی است که مانع اصلی در عملیاتِ «تحمیل تسلیم»، حضور فعال و منسجم مردم در خیابان است .۲. مردم فهمیده‌اند که اگر فریاد بزنند و استقامت بورزند، فضای عملیاتی برای پیش‌برد تصمیم‌های ولی‌فقیه گشوده می‌شود؛ به چشم دیده‌اند که راهبرد انتقام، که حتی لفظ آن بر زبان مسئولان نمی‌آمد، با خیل عظیم پرچم‌های سرخ و دست‌نوشته‌ها به دستور ولایت تبدیل شد .مردم می‌دانند اکنون، خیابان است که تعیین می‌کند میدان، پای کار ولی‌فقیه بماند یا در برابر اصرار «صلح‌خواهی» با دشمن «جنگ‌طلب»، سر تسلیم فرود آورد. پس، ناملایمات و انگ‌زنی‌ها از چپ و راست بر مردم نجیبِ خیابان زخم می‌زند، و فتنه‌ها و دسیسه‌ها برای شکستن صفوفِ منسجم و نظم خودجوش آن، هر شب به‌گونه‌ای هجمه می‌کند. اگرچه امروز خیابان، استوارتر از گذشته ایستاده است، اما ضروری است که این سنگر هم‌زمان با غلیظ‌تر شدن فتنه‌ها، خود را بازتولید و تجهیز کند. مردم مبعوث به آن یقین رسیده‌اند که دیگر فرصتی برای تعلّل نیست، و برای اقدام به‌موقع، داشتنِ «راهبرد رفتاری» گریزناپذیر است .۳. یک راهبرد اساسی، تکثیر «معرفت خیابان» است؛ و این یعنی «تبیین» حقیقت جاریِ این روزها برای سایر بخش‌های جامعه. باید بر کمیّت خیابان افزود؛ باید «روایت مقاومت» را تکثیر کرد و آن را به گفتمان مرکزی تبدیل نمود، و نجات را محصولِ ضروری مقاومت معرفی کرد. باید از تعلّل‌های گذشته نسبت به رهبر شهید گفت، تا داغ «خسارت‌های جبران‌ناپذیر» سرد نشود. باید به خانه‌نشینی بخشی از جامعه راضی نشد؛ انگیزه‌های معنوی ریشه در قلب‌های ایرانیان دارد، باید از این ریشه‌ها بهره برد و از توجه اولیای الهی مدد گرفت و حضور در خیابان را حداکثری کرد. این راز سربه‌مهرِ حیات ققنوس‌وارِ ایرانیان است، که درست در آنجا که تمام محاسبات اهل دنیا در انتظار شکستن این ملّت است، باشکوه‌تر از همیشه جلوه‌گر می‌شود. نباید از این «حقیقتِ کارساز» غافل شد؛ امروز، زمان روایت و به‌رخ کشیدنِ «مدد جاری الهی» بر این ملّت است . ۴.راهبرد بعدی، ارتقای کیفیِ خیابان است. تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد حرکت‌های خودجوش مردمی همواره نسخهٔ علاج مشکلات تحمیلی و بی‌تدبیری‌های سیاست‌مداران غرب‌گرا بوده است. همان‌طور که در دوران کرونا، با ایدهٔ «مواسات مؤمنانه» رهبر شهید، مردم با کنشگری خود مرهمی بر تنگیِ معیشت و کسادی کسب‌وکارها نهادند، در این ایام نیز خیابان باید خود را در موقعیت «جنگ معیشتی» ببیند و برای مبارزه با آن، سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده عمل کند. باید برای بحران‌های فرهنگی و پوشش، تدبیری عملی اندیشید و در برابر پروپاگاندای رسانه‌ای، با سیل «روایتِ حقیقت»، لشگر کج‌روایت‌ها را بی‌اثر کرد.

۵. این راهبردها، در چیستیِ پردازش و چگونگیِ اجرا، نیازمند نخبگان است. اکنون زمان حضور «حلقه‌های میانی» است؛ به‌عنوان عقل منفصل و زنجیر اتصالِ مردم با اندیشه ولی‌فقیه. حلقه‌های میانی از یک‌سو، زبان صریح و رفتار مردم را سامان می‌دهند و به آن‌ها توانِ تمرکز می‌بخشند، و از سوی دیگر، اندیشه و ارادهٔ ولایت را تبیین کرده و به لایه‌های مختلف جامعه بسط می‌دهند. اکنون که دشمن ترکیبی از تمام فتنه‌های گذشته را روانهٔ میدان می‌کند، ما نیز باید تمام توان و عبرت‌های گذشته را در قالب یک «روایت منسجم» به کار بگیریم و به آن عینیت میدانی ببخشیم.

تبیین دکتر محمدرضا برزویی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

فقیه و هنر فهم زمانه

گاهی در تحلیل برخی مسائل دینی و سیاسی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا فتوای یک فقیه ممکن است تحت تأثیر خواست و مطالبه مردم و افکار عمومی تغییر کند؟ به تعبیر دیگر، **آیا فقیه صرفا «امین شریعت» است و شریعت هم دارای احکام ثابتی است؟ و یا فقیه می تواند به اقتضای تغییرات زمانه و تغییرات موضوعات شرعی، احکام مناسب و متناسبی جدیدی وضع نماید؟** گزاره رایج و مشهور این است که «فقیه» پیش از هر چیز، «امین شریعت» است. این نگاه قایل است که وظیفه او این نیست که آنچه مردم می‌خواهند، به نام حکم دین بیان کند؛ بلکه باید بر اساس آموزه‌های دینی و ادله شرعی، نظر خود را اعلام کند؛ حتی اگر این نظر با خواست یا انتظار بخشی از جامعه متفاوت باشد. البته این به معنای آن نیست که احکام دینی نسبت به شرایط جدید بی‌تفاوت‌اند. **گاهی با تغییر شرایط، خود موضوع یک مسئله نیز تغییر می‌کند و همین امر می‌تواند زمینه صدور حکمی متفاوت را فراهم سازد.** بگونه ای که امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام نیز در دوران حکومت خود به اقتضای شرایط موجود، فراتر از احکام شرعی بر اسب ها و گاوهای شخم زننده نیز زکات جاری نمود. (کافی ج ۳ ص ۵۳۰) این تغییر، به معنای عقب‌نشینی از اصول یا تأثیرپذیری از فشارها نیست؛ بلکه نشان‌دهنده توانایی و پویایی فقه برای پاسخ‌گویی به مسائل تازه زندگی و مستحدثه قلمداد می شود که در اختیار فقیه است. **امروز که جامعه ما با تهدیدها و فشارهای جدی در همه عرصه ها روبه‌روست، بازاندیشی فقهی درباره ضرورت افزایش قدرت دفاعی از طریق سلاح های نوین با هدف ایجاد بازدارندگی از کشور و ملت، اهمیتی دوچندان پیدا کرده است.** چنین نگاهی می‌تواند در دل مردمی که برای دفاع از هویت اسلامی و استقلال خود به میدان آمده‌اند، امید و اطمینان ایجاد کند و مسیر مقاومت را از ایستادگی صرف، به سوی حرکتی فعال، مقتدرانه و امیدآفرین تبدیل نماید.

تبیین دکتر رضا شریف؛ عضو هیئت علمی جامعة المصطفی

توهم «امنیت شبکه‌ای» و دوقطبی‌سازی لیبرال؛ نقد نگاه لیبرال به دکترین بازدارندگی در نامه اصلاح‌طلبان به رئیس جمهور

انتشار نامه اخیر **یکی** از چهره‌های جریان لیبرال و تکنوکرات به رئیس جمهور درباره نحوه مواجهه با نامه معاون رئیس جمهور آمریکا، از منظر فلسفه سیاسی و حقوق اساسی نیازمند یک نقد صریح و بی‌پرده است. این پیشنهاد را از دو منظر می‌توان مردود و آسیب‌زا دانست: **۱. دوقطبی‌سازی ساختاری؛ تقابل کاذب «رئیس جمهور» با «ولایت فقیه» در الگوی مردم‌سالاری دینی:** رأی اکثریت مردم به رئیس جمهور، مشروعیت اعمال مدیریت اجرایی را در چارچوب نظام اسلامی فراهم می‌کند؛ نه اینکه رئیس جمهور را به یک کانون قدرت خودبنیاد و مستقل از نظام ولایی تبدیل کند. این فرد در نامه خود با عبارت انحصاری «راهبری این اقدام تنها و تنها باید توسط شخص رئیس جمهور صورت گیرد و قابل تفویض به هیچ نهادی نیست»، عمداً یا سهواً دست به یک دوقطبی‌سازی لیبرال می‌زند. این تفکر تلاش می‌کند میان نهاد برخاسته از رأی مردم (دولت) و نهاد راهبردی کلان (ولایت فقیه و شورای عالی امنیت ملی) شکاف بیندازد. در حالی که در مردم‌سالاری دینی، خواست ملت در امتداد اراده عمومی نظام و تحت زعامت ولی‌فقیه معنا می‌یابد، نه در تقابل یا جدایی از آن. القای اینکه رئیس جمهور باید بار کلان تصمیمات استراتژیک جنگ و صلح را بدون اتصال به دکترین دفاعی رهبری به دوش بکشد، تلاشی برای وارونه‌سازی ساختار قدرت در جمهوری اسلامی است. **۲. تقابل نگاه لیبرال خارج‌پایه با بازدارندگی متکی بر اراده ملی و ولایت فقیه:** این پیشنهاد مبنی بر دعوت از قدرت‌های بین‌المللی نظیر چین و روسیه و بازیگران منطقه‌ای وابسته نظیر ترکیه، مصر و کشورهای جنوب خلیج فارس برای ایجاد «امنیت شبکه‌ای»، ریشه در خام‌اندیشی دیپلماتیک لیبرال دارد. **در تفکر لیبرال، امنیت محصول معاهده، موازنه منافع با قدرت‌های بزرگ و بروکراسی چندجانبه است. اما در اندیشه مردم‌سالاری دینی و ولایت فقیه، عزت، استقلال و بازدارندگی حداکثری از درون اتکا به قدرت الهی، اراده ملت و اقتدار بومی می‌جوشد، نه از گره‌زدن امنیت کشور به مشورت با دولت‌هایی که بسیاری از آن‌ها شرکای راهبردی دشمن‌اند.** معطل‌کردن پاسخ قاطع به تهدیدات در چرخ‌دنده‌های دیپلماسی فرسایشی منطقه‌ای، پیام ضعف مخابره می‌کند و اصل بازدارندگی برخاسته از اقتدار ولی‌فقیه را خدشه‌دار می‌سازد. این پیشنهاد، بازتولید همان رویکرد لیبرالی است که در بحران‌ها به‌جای تکیه بر ساختار منسجم نظام اسلامی و تدابیر فرماندهی کل قوا، به دنبال تکیه‌گاه‌های بیرونی و تفکیک قوه مجریه از ارکان عالی حاکمیت است؛ رویکردی که هم با منطق مردم‌سالاری دینی در تضاد است و هم امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد.

در چنین شرایط خطیری، راهبرد اصیل و نجات‌بخش، خروج از توهمات لیبرالی و **بازگشت به کانون تدابیر ولی‌فقیه و حرکت در مسیر نظم نوین** است. در این چارچوب، ارجاع به حضور هشت‌ماهه ملت مبعوث و امتدادادن آن به دفاع مقدس هشت‌ساله که در پیام اخیر امام امت به آن اشاره شده، صرفاً یک تشبیه خطابی نیست؛ بلکه دقیقاً یک **کارکرد راهبردی** دارد. این همان جوهره حقیقی مردم‌سالاری دینی است؛ جایی که اراده توده‌های مؤمن در اتصال با تدبیر و فتوای ولی‌فقیه تجسم می‌یابد و به‌جای انفعال در برابر اراده‌های بیرونی، با تکیه بر وحدت ساحات و همگرایی جبهه مقاومت، موازنه جدیدی را برای شکل‌گیری **نظم نوین سیاسی و امنیتی نه صرفا در غرب آسیا**، بلکه در تمام دنیا رقم می‌زند؛ نظمی که امنیت را نه از مسیر التماس دیپلماتیک به بیگانگان، بلکه از مجرای اقتدار، ایمان و همبستگی ملی محقق می‌سازد.

تبیین دکتر محمدحسین ضمیریان؛ آینده‌پژوه

توازن قدرت در آینده با عبور از فکر انفعالی در موضوع هسته‌ای

همان‌طور که جاافتادگی یک فناوری، چانه‌زنی بر سر امتناع از آن را بی‌معنا می‌کند، برای یک ملت تمدنی نیز مناقشه بر سر داشتن یا نداشتن فناوری هسته‌ای موضوعیت خود را از دست داده است. **فناوری‌ای که به بخشی از ساختار علمی و صنعتی یک کشور تبدیل شده، دیگر یک گزینه روی میز مذاکره نیست.** ادامه‌دادن این چانه‌زنی هزینه‌ای راهبردی دارد. هر بار که دستاوردی تثبیت‌شده دوباره قابل‌مذاکره تلقی می‌شود، طرف مقابل این پیام را می‌گیرد که آن دستاورد امتیازی است که می‌توان در برابر آن امتیاز گرفت. چنین رویه‌ای مشروعیت داشته‌های ما را فرسوده می‌کند و سابقه‌ای برای فشارهای بعدی می‌سازد. به باور من، زمان آن رسیده که این پرونده بسته شود. **اینجا تفاوت من با دیگران و تسلیم طلبان است؛ بستن پرونده به معنای رهاکردن فناوری نیست، بلکه به معنای خارج‌کردن آن از دستور چانه‌زنی است.** آنچه به دست آمده باید همچون یک واقعیت پذیرفته‌شده در معادلات ما بنشیند، نه همچون موضوعی که هر دوره دوباره درباره‌اش دفاع و توجیه لازم باشد. انرژی و سرمایه و توان ما باید به عرصه‌هایی منتقل شود که رقابت در آن‌ها هنوز و در «آینده» تعیین‌کننده است. **فناوری‌های نوظهور، از هوش مصنوعی تا فناوری‌های کوانتومی و فضایی و چیزهایی مانند پادماده و نانومواد و نوروساینس، میدان‌هایی هستند که توازن قدرت آینده در آن‌ها شکل می‌گیرد.** هر ملتی که در این عرصه‌ها غایب باشد، فردا ناچار خواهد بود بر سر چیزهایی چانه بزند که امروز فرصت تعیین قواعدشان را داشته است. بر این اساس، دستاوردهای پیشین باید نه امتیازی قابل‌مذاکره، بلکه ضرورتی مسلّم و مفروض اعلام و تثبیت شوند. آنچه امروز ضرورت است، فردا نقطهٔ آغاز رقابت بعدی خواهد بود، و ملتی که پایه‌های خود را مفروض بگیرد، می‌تواند توان خود را صرف ساختن آینده کند. اگر این تثبیت از آزمایش می‌گذرد توصیه من اکنون آزمایش است و تمام.